

به بهانه اکران جهانی تازه‌ترین فیلم «استیون اسپیلبرگ» با عنوان «روز افشاگری»

این دیگر لزوماً نه علمی است نه تخیلی



۲ سینما
جواد معمری

علمی – تخیلی از سوی فیلمسازان ترسیم شده، زیباتر و باهوش‌تر از انسان نیست؟ این پرسش درست در نقطه‌ای کلیدی درباره فیلم جدید اسپیلبرگ، یعنی روز افشاگری («Dislosure Day») قرار می‌گیرد. ظاهر و هوش موجودات فرازمینی در این فیلم یه گونه‌ای طراحی شده که با کلیشه‌های رایج هماهنگ باشد، نه با ایده‌های ناب و فراتر از انسان. این عقب‌ماندگی ظاهری به‌طور قطع نمی‌تواند عمدی باشد، بلکه از سر ضعف و استیصال رقم خورده است. همه فیلمسازان ژانر علمی – تخیلی با ایسن حقیقت برخورد داشته‌اند که نمی‌توان موجودی خوش‌سیماتر از انسان، حتی به لحاظ ظاهری، ترسیم کرد. در گزارش پیش‌رو، این چالش بشری را در تولید آثار هالیوودی بررسی کرده‌ایم.

■ ■ ■

نا توانی در مقابل خلقت پروردگار عالم، انسان را به یاد آیه‌هایی از قرآن کریم می‌اندازد که در آنها خداوند انسان را به تحدی (مبارزه‌طلبی) فرا می‌خواند تا آیه‌ای مانند آیات قرآن ارائه دهند.

■ **چالش‌های پنج‌گانه قرآن درباره خلقت**

۱. در سوره مبارکه بقره، آیات ۲۳ – ۲۴ می‌خوانیم:

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ... فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا النَّارَ...»

اگر در آنچه بر بنده‌مان نازل کردیم شک دارید، سوره‌ای مانند آن بیاورید که هرگز نخواهید توانست.

۲. در سوره یونس، آیه ۳۸ نیز چنین آمده است:

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ...»

اگر می‌گویید قرآن را به دروغ ساخته، سوره‌ای همانند آن بیاورید.

۳. جالب است که خداوند متعال در آیه ۱۳ سوره هود، این چالش را درباره ده سوره مطرح کرده است:

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ...»

اگر راست می‌گویید، ۱۰ سوره ساختگی همانند آن بیاورید.

۴. در سوره طه، آیه ۳۴، این چالش درباره یک سخن مطرح شده است:

«فَلْيَأْتُوا بِخَبَرٍ مِثْلِهِ إِنِ كَانُوا صَادِقِينَ»

۵. با بالاخره در سوره اسراء، آیه ۸۸، پروردگار عالم انسان را به کل قرآن به مبارزه طلبیده است:

«قُلْ لَنْ أَجْتَعِدَ الْإِنْسَانَ الْجُنَّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذِهِ الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»

اگر جن و انس جمع شوند تا نظیر این قرآن را بیاورند، هرگز نتوانند، هر چند یکدیگر را یاری دهند. این وسیع‌ترین سطح چالش است که همه جهانیان را شامل می‌شود.

■ **نکته کلیدی درباره تحدی در قرآن**

نکته مهم این است که این آیات اهداف و سطوح مختلفی نازل شده‌اند. چالش‌های ابتدایی با یک سوره (در سوره بقره و یونس) راه را برای دشمنان هموارتر می‌کرد تا هیچ پهنه‌ای برای نیابردن نداشته باشند، اما در نهایت، در سوره اسراء، قرآن با قاطعیت اعلام می‌کند که حتی همکاری همه جن و انس نیز برای آوردن نظیر آن ناکافی است.

از آنجا که معنای آیه در قرآن صرفاً به معنای آیات ظاهری نیست و شامل همه اجزای خلقت خداوند متعال می‌شود، می‌توان چنین نتیجه گرفت که پروردگار عالم انسان را درباره همه یا جزئی از اجزای خلقت به مبارزه طلبیده است. از همین روی، شاید بتوان تلاش دانشمندان و فیلمسازان در شبیه‌سازی از موجودات را – که اولی در عالم واقع و گروه دیگر در مجاز آن را صورت‌بندی می‌کنند – خواسته یا ناخواسته تلاشی در این راستا تعبیر کرد؛ تلاشی که می‌تواند لزوماً خودآگاه هم نباشد. خداوند وقتی از روح خود در انسان دمید، به‌طور عادی صفت خالقیت را نیز منتقل کرد و این نیرو در هر انسانی، بنا به ظرفیت درونی، می‌تواند شدت و ضعف داشته باشد. بدیهی است آنچه خداوند متعال در تحدی خلق آیات خود، انسان را به مبارزه می‌طلبد، صرفاً محدود به ظواهر و زیبایی‌های مادی نمی‌شود و شامل باطن اشیا نیز خواهد بود و این درباره انسان بیش از همه موضوعیت پیدا می‌کند.

قرآن کریم به این تصریح دارد که انسان اشرف مخلوقات است و این اشرف بودن به‌طور عادی باید هم ظاهر و هم باطن را به‌طور توامان دربر گیرد؛ بنابراین انسان را باید به لحاظ قابلیت‌های ظاهری و باطنی، در مقایسه با دیگر موجودات خلق‌شده از سوی خداوند متعال، شریف‌تر و بهتر دانست. قرآن کریم به صراحت از موجودات دیگری به نام جن نیز یاد می‌کند که پیش از انسان خلق شده‌اند و ابلیس از آن جنس است؛ موجودی که به نظر می‌رسد ردیابی آن در برخی آثار هالیوودی قابل مشاهده است.

■ **این فرازمینی‌های بدتر کیب انسان نما**

استیون اسپیلبرگ، فیلمسازی که بخش مهمی از آثار او در سبک علمی – تخیلی تولید شده‌اند، در تازه‌ترین اثر خود با عنوان «روز افشاگری» باز هم در قالب این ژانر، تجربه‌ای تازه را رقم زده است. این فیلم که از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ (۲۲ خرداد ۱۴۰۵) در سینماها اکران شده، با بازگشت اسپیلبرگ به فضای بیگانگان، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. برخلاف فیلم‌های کلاسیک اسپیلبرگ مانند «بر خورد نزدیک از نوع سسوم»، داستان این فیلم درباره افشای وجود بیگانگانی است که ۷۰ سال از سوی دولت مخفی نگه داشته شده‌اند. شخصیت اصلی (جاش اوکاتر) بازدیدن مدارک این توطئه فراز می‌کند و با یک هواشناس (امیلی بلانت) که توانایی‌های عجیبی پیدا کرده، همراه می‌شود. توطئه یا تئوری توطئه، این دو عبارت همواره در تاریخ ذهن بشر را به خود مشغول کرده است، اما فیلمساز بزرگ ژانر علمی-تخیلی این‌بار به شکل جدی‌تری این موضوع را دستمایه یک فیلم قرار داده است. سادانگاری است اگر فکر کنیم خلق فرازمینی‌ها یا بیگانه‌ها در آثار هالیوودی فقط جنبه

سرگرم‌کننده و تجاری دارند. فیلمسازان آمریکایی خیلی وقت‌ها حرف‌ها و افکارشان را نه به‌طور کاملاً مستقیم و صریح، بلکه به شکلی غیرمستقیم و در لایه‌ای از ابهام می‌پیچند و ارائه می‌دهند. اینکه آیا موجودات دیگری هم هستند و انسان در این عالم تنها نیست، همواره یک درگیری فکری جدی برای بشر امروز بوده‌است. فیلمساز هالیوودی گاهی آن را به شکل آدم‌آهنی‌ها تصویر کرده و گاهی به آن صورت‌بندی نزدیک به اجنه و ارواح شیطانی داده است. در صورت‌بندی دوم، نزدیکی بیشتری به حقایق دینی مشاهده می‌شود، اما در اصل موضوع تفاوت چندانی نباید قائل شد و آن اینکه موجودات دیگری هم وجود دارند. در این پروسه، گاه انسان از نیروی خلاقانه ذهن استفاده می‌کند و موجوداتی را تخیل می‌کند و گاه به منابعی رجوع می‌کند که مدعی ارتباط با نیروها یا موجوداتی غیرزمینی بوده‌اند. در مورد اول و حتی مورد دوم، این نکته بدیهی است که آنها شریف‌تر از انسان نیستند، چون فیلمسازان ژانر علمی – تخیلی با وجود تلاش مجدانه‌ای که به خرج داده‌اند، توان ترسیم شمایل زیباتر و حتی باهوش‌تر از انسان را نداشته‌اند. این باهوش بودن قاعدتاً به معنای توانمندی در سرعت محاسبات ریاضی یا ضبط حجم بالای اطلاعات نیست؛ چه اگر این بود، رایانه‌ها خیلی پیشتر در این وادی از انسان پیشی گرفته‌اند. هوش مصنوعی در این عرصه پیشتاز است؛ پس معیار هوشمندی برای یک موجود زنده چیزی فراتر از توانمندی در سرعت تحلیل ریاضیات است.

■ **آیا این موجودات غریب ممکن است همان اجنه باشند؟**

برخی بر این عقیده‌اند که فرازمینی‌ها در فیلم‌های هالیوودی، غیرمستقیم به اجنه اشاره دارند. در واقع، ایسن دیدگاه که موجودات فرازمینی در فیلم‌های علمی – تخیلی بازتابی غیرمستقیم از اجنه در فرهنگ‌های کهن و حتی جدید هستند، بحث عمیقی دارد که ریشه در روان‌شناسی جمعی و نیاز بشر به تبیین ناشناخته‌ها دارد.

■ **تقلیل‌گرایی آثار هالیوودی در ترسیم اجنه**

به‌طور کلی، رویکرد هالیوود به اجنه اغلب بسا منبع اصلی آن (فرهنگ اسلامی و عربی) تفاوت دارد. در بسیاری از این فیلم‌ها، اجنه به موجوداتی شبیه به ارواح شیطانی یا جن‌های آرزوبخش (مثل علاءالدین) تقلیل پیدا می‌کنند و کمتر به عنوان «زادی موازی با انسان‌ها با اراده آزاد» به تصویر کشیده می‌شوند که در قرآن و روایات به آن اشاره شده است، اما در هالیوود، طراحی موجودات فرازمینی کاملاً عوامدانه شبیه به همان «خاکستری‌های» کلاسیک (سر بزرگ، چشم‌های درشت سیاه و پوست خاکستری) است که دهه‌ها در فیلم‌ها و گزارش‌های بشقاب‌پرنده دیده‌ایم.



■ **جیمز کامرون، «آواتار» و نزدیکی به اجنه**

به نظر می‌رسد آنچه «خیلی‌ها» به آن اعتقاد دارند، نه یک راجع مستقیم فیلمسازان، بلکه یک تعمیم انسان‌شناختی است. اسپیلبرگ در جدیدترین فیلمش با عنوان «روز افشاگری» بر «حافظه فرهنگی» تأکید دارد. در فرهنگ دینی، حافظه فرهنگی ما اجنه هستند و وقتی موجودات فرازمینی را با همان ویژگی‌های رموز و فراتر از ساده می‌بینیم، ناخودآگاه آنها را با همان قالب ذهنی تطبیق می‌دهیم. در واقع، علمی – تخیلی زبان امروزی برای روایت همان اسطوره‌های دیروز است. این موضوع در فیلم‌های متأخر جیمز کامرون به شکل عیان‌تری خود را نشان می‌دهد؛ موجوداتی که رنگ آنها آبی است و به لحاظ ظاهری شباهت بیشتری دارند؛ به آنچه از موجودی به نام جن ترسیم شده است. «آواتار» مهم‌ترین مثال در این‌باره است.

شباهت ظاهری ناوی‌ها در فیلم Avatar به برخی از تصورات از اجنه، ریشه در انتخاب‌های آگاهانه جیمز کامرون برای خلق موجوداتی ماورایی در عین حال آشنا دارد. جالب اینجاست که کامرون خودش این ارتباط را تأیید کرده، اما نه با اجنه، بلکه با الهه‌های هندو. در واقع، این شباهت‌ها نتیجه سه رویکرد اصلی در طراحی این موجودات است:

جالب اینکه شخصیت‌های فیلم به صراحت می‌گویند «همدلی» یکی از بزرگ‌ترین برتری‌های تکاملی این موجودات است، یعنی هوش آنها الزماً برتر از انسان نیست، بلکه در ک مقابل آنها بر چسته است. جالب است که کارل سیگن، ستاره‌شناس مشهور، سال‌ها پیش همین رویکرد اسپیلبرگ را نقد کرده بود. او معتقد بود این انسان‌واره‌سازی غیرواقع‌گرایانه است و اگر موجودی بتواند به زمین سفر کند، باید بسیار پیشرفته‌تر و باهوش‌تر از ما باشد. بنابراین، اسپیلبرگ در جدیدترین فیلمش عوامدانه‌سیری متفاوت از «واقع‌گرایی علمی» را انتخاب کرده و به جای خلق موجوداتی شگفت‌انگیز، بر اعتبار بخشیدن به افسانه‌های جمعی و تأثیر آن بر خود انسان متمرکز شده است.

نکته اصلی‌تر در این‌باره این است که انسان مدرن، چه در عالم سینما و چه در قالب فعالیت شبیه‌سازی انسان‌وارها، همچنان سعی می‌کند موجوداتی خلق کند که بتوانند هوشمندتر از انسان باشند، اما در این مسیر همواره و حتی در تخیل شکست خورده است، چه برسد در واقعیت. این را باید پذیرفت که انسان حتی نتوانسته در طراحی ظاهر موجودات در بعد زیبایی‌شناسی، بهتر از انسان را ترسیم کند. موجوداتی که در قالب آدم‌آهنی‌ها و فضایی‌ها راه رفتن و حتی حرف زدنشان با لکنت همراه است، خود گویای این حقیقت است. موجوداتی که سرهای بزرگ و پایین‌تنه‌های کوچک‌تر آنها در برخی آثار سینمایی، شمایل ناخواسته کاریکاتوری ارائه داده که قرار است باهوش‌تر از انسان باشند، اما این یک تناقض جدی است که اگر این موجودات قرار است از انسان‌ها باهوش‌تر باشند، چرا به لحاظ ظاهری تقارن و زیبایی و هارمونی عقب‌مانده‌تری از انسان دارند؟ پاسخ علمی و دقیق به این سؤال می‌تواند به کشف سؤال‌ها و پاسخ‌هایی فلسفی از عالم خلقت منجر شود.

“

شاید واژه «علمی – تخیلی» از ابتدا برای این ژانر خیلی آگاهانه انتخاب شده باشد؛ عبارتی که گویی قصد دارد القا کند چیزی بیشتر از جهان مادی و ذهن انسان وجود ندارد و این تأکید بر اومانیزسم را می‌توان در این عبارت مشاهده کرد، اما فیلمسازان این ژانر خود به تدریج در حال گذار به سمتی هستند که این عبارت را به چالش می‌کشند. آثار متأخر تر نشان می‌دهد بیگانه‌ها لزوماً دیگر نه خیلی علمی و نه خیلی تخیلی هستند

“

انسان مدرن، چه در عالم سینما و چه در قالب فعالیت شبیه‌سازی انسان‌وارها، همچنان سعی می‌کند موجوداتی خلق کند که بتوانند هوشمندتر از انسان بنمایند، اما در این مسیر همواره و حتی در تخیل شکست خورده است، چه برسد در واقعیت. این را باید پذیرفت که انسان حتی نتوانسته در طراحی ظاهر موجودات در بعد زیبایی‌شناسی، بهتر از انسان را ترسیم کند. موجوداتی که در قالب آدم‌آهنی‌ها و فضایی‌ها راه رفتن و حتی حرف زدنشان با لکنت همراه است، خود گویای این حقیقت است

“

موجوداتی که سرهای بزرگ و پایین‌تنه‌های کوچک‌تر آنها در برخی آثار سینمایی، شمایل ناخواسته کاریکاتوری ارائه داده که قرار است باهوش‌تر از انسان باشند، اما این یک تناقض جدی است که اگر این موجودات قرار است از انسان‌ها باهوش‌تر باشند، چرا به لحاظ ظاهری تقارن و زیبایی و هارمونی عقب‌مانده‌تری از انسان دارند؟ پاسخ علمی و دقیق به این سؤال می‌تواند به کشف سؤال‌ها و پاسخ‌هایی فلسفی از عالم خلقت منجر شود

“

از آنجا که معنای آیه در قرآن صرفاً به معنای آیات ظاهری نیست و شامل همه اجزای خلقت خداوند متعال می‌شود، می‌توان چنین نتیجه گرفت که پروردگار عالم انسان را درباره همه یا جزئی از اجزای خلقت به مبارزه طلبیده است. از همین روی، شاید بتوان تلاش دانشمندان و فیلمسازان در شبیه‌سازی از موجودات را خواسته یا ناخواسته تلاشی در این راستا تعبیر کرد؛ تلاشی که می‌تواند لزوماً خودآگاه هم نباشد